



گفتگو با ایران جهانشاهی؛ هنرمند نقاش

مردم را با هنرهای تجسمی آشنا کنیم

فعالیت می‌کردم. امابه شکل حرفه ای از سال ۷۰ دوران دانشگاه زمانی که دانشجو بودم، کار کردم.

همیشه در حال جستجو و کنکاش بودم و به یک تکنیک و یا انتخاب فقط یکی از ابزارها قانع نبودم، روی زمینه‌های مختلف مثل مقوا، چوب، شیشه، گچ، بوم پارچه ای، فلز و... با رنگهای مختلف کار کردم و براق بودن و شفاف بودن فلز که موجب می‌شد تا از زیر رنگ درخشندگی خاصی داشته باشد توجهم را جلب کرد؛ لذا فلز را به عنوان زمینه کارم انتخاب کردم و با انتخاب موتیفهای ایرانی اسلامی آثاری را بوجود آوردم که در نوع خود کاری تازه و نو است. بابر بسته کردن یا خراش یا بازی با رنگ طوری که درخشندگی فلز حفظ شود آثاری جدید را بوجود آوردم که حرف تازه ای برای گفتن داشت. در نقاشی آثارم گاهی از قلم مویبرای رنگ گذاری استفاده می‌کنم و گاهی هم از دست و انگشتانم برای فرم دادن به رنگها کمک می‌گیرم. اخیراً هم به کار نقاشی با اسید روی فلز می‌پردازم که با شیوه‌ای ابداعی از خودم است.

*** به کار یکتا و رستها گفتیم: پیکاسو پرندگان صلح می‌کشید...!**

سال ۱۳۸۲ با همراهی گروهی از اساتید همکار، مؤسسه هنری گروه آبی بیکران هنر را تأسیس کردیم که هنرمندان رشته‌های مختلف هنرهای تجسمی، موسیقی و رشته ادبیات با حمایت موزه هنرهای معاصر گرد هم آمده فعالیت خود را شروع نمودند، و نمایشگاههای زیادی در ایران با همین گروه برگزار کردیم. نمایشگاه انفرادی هم در ایران و جهان داشتیم.



در کشورهای فرانسه، ایتالیا، آلمان، کروواسی و اوکراین نمایشگاه داشتیم، سال ۸۴ موزه هنرهای معاصر منتخب آثاری از نقاشی و مجسمه را به کروواسی فرستاد که نقاشیهای من هم جزء آن آثار بود. سپس مرا بعنوان نقاش و خانم ستاره بریرانی را هم که مجسمه ساز هستند به کروواسی فرستادند نمایشگاه بسیار موفق بود و استقبال خوبی از ما شد. در آنجا مصاحبه تلویزیونی و مطبوعاتی داشتیم که در رابطه با کاریکاتور یستهای که با کارشان به ساخت پیامبر اسلام (ص) اهانت کرده بودند سوال نمودند و من با پیامی که به کاریکاتور یستها دادم سوالشان را پاسخ دادم.

پیام من به کاریکاتور یستها این بود: دوستان هنرمند باید بدانید یک هنرمند در مقابل جامعه بشری تعهد دارد و باید پاسخگوی کلام و قلمش باشد. شما با کاریکاتورهایتان به بیش از ۱/۵ میلیارد مسلمان جهان توهین کردید که موجب جنگ و خونریزی خواهد شد و این شما هستید که در مقابل هر قطره از این خونها مسئولید، بیاییم از گذشتگان و پیشکسوتان هنر درس بگیریم، پیکاسو پرندگان صلح می‌کشید و به سراسر جهان ارسال می‌کرد، خوب است یاد بگیریم قلممان در جهت صلح باشد.

سال ۸۶ هم از طرف موزه معاصر دوماه فرانسه بودم و در شهرک هنرمندان سویتی داشتم که همانجا کار کردم و نمایشگاه انفرادی برگزار نمودم که بازتاب خوب و بازدید کننده‌های زیادی داشت و مسئول شهرک هنرمندان (سپته) می‌خواست یکی از کارهایم را خریداری کند. گفتم کار من هدیه کوچکی است از طرف ملت ایران به مردم فرانسه. رییس سپته گفت: مردم ایران بسیار سخاوتمندند و کار شما جزء آثار سپته ثبت خواهد شد و شما هم هروقت به فرانسه آمدید در شهرک هنرمندان سویتی خواهید داشت.

*** شأن هنرمند را در نظر نمی‌گیرند!**

خوشبختانه در ایران همه انجمنها در راستای اعتلاء هنر گام بر می‌دارند، اما قوت و ضعف دارند. آن چیزی که باید بیشتر به آن توجه کرد به‌دا دادن به هنرمندان و وضعیت معاش آنهاست که متأسفانه توجهی نمی‌شود. مثلاً انجمنهای هنرهای تجسمی می‌توانند راهکار ارائه دهند برای خرید آثار بدون حاشیه. هنرمند باید بیمه و بازنشستگی داشته باشد که دغدغه آینده را نداشته باشد تا با آرامش کار کند. اخیراً بازارهایی راه اندازی کرده‌اند و کار هنرمندان را می‌خرند؛ هر کار ۷۵۰ تومان. واقعاً این توهین به هنرمندان است چرا شأن هنرمند را در نظر نمی‌گیرند این کار مانند بازارهایی است که اجناس بنجل را حراج می‌کنند همه از دم فلان تومان، من به شخصه ترجیح می‌دهم کارم را به کسی که ارزش کار

ایران جهانشاهی هنرمند نقاش کشورمان متولد ۱۳۳۱ و فارغ التحصیل کارشناسی ارشد نقاشی از دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد است. مدت ۳۰ سال در هنرستانهای تهران تدریس داشته و ۲۳ سال هم در دانشگاههای هنری تهران و شهرستان تدریس کرده‌است. تاکنون بیش از ۵۰ نمایشگاه گروهی و انفرادی، داخل و خارج از کشور از جمله در موزه هنرهای معاصر داشته‌است. ابداع جدید ایشان نقاشی روی فلز می‌باشد که در آخرین نمایشگاه انفرادیشان آثار نقاشی آبستره روی بوم با استفاده از رنگهای اکریلیک و گواش و نیز روش ابداعیشان که نقاشی روی فلز با رنگهای ترکیبی بود رانیز به نمایش گذاشتند. در ادامه



گفتگوی مجله را با این هنرمند توانای کشورمان با حذف سوالات می‌خوانید:

*** از کودکی به نقاشی علاقه مند بودم**

مثل اکثر افراد از کودکی به نقاشی علاقه مند بودم و همیشه تصاویر کتابهای درسی که نقاشی بودند، برایم جذابیت خاصی داشتند. به خصوص کتاب تاریخ کلاس ششم دبستان که جنگها را تصویر کرده بودند.

از دیگر آثاری که در کودکی بر من اثر فوق العاده‌ای داشت نقاشیهایی بود که پرده خوانهای دوره گرد آن پرده‌ها را روی دیوار نصب می‌کردند و مصیبت کربلا را می‌خواندند و من آنقدر جلو می‌رفتم که زیر پرده قرار می‌گرفتم و با دقت تفاشیهای آنرا نگاه می‌کردم و چهره زیبای امام حسین (ع) را که با معصومیت خاصی نقاشی شده بود و تفاوت چهره شمر را که سرش چون هندوانه از وسط نصف شده و زبان از دهانش خارج شده بود رما مقایسه می‌کردم و در همان کودکی تمام اجزاء پرده را حفظ بودم.

*** همراه فرزند نام تحصیل کردم!**

سه فرزند دارم، تا آنجا که بخاطر دارم همیشه همراه فرزندانم من هم تحصیل کرده‌ام و در عین حال تدریس هم داشتم. بسیار سخت بود هم وظیفه مادری را انجام دادن هم معلم بودن و هم در موقعیت دانشجو درس پس دادن به استاد؛ که صد البته باید تمام وظایف به بهترین شکل انجام می‌شد و این ممکن نبود مگر اینکه

همراه خوبی داشته باشید و در کنارش برنامه ریزی دقیقی داشته باشید و من موفق بودم و هیچ چیز مانع فعالیتیم نبود زیرا همسری دارم که در تمام این مراحل همراه من گام به گام پیش آمده، حال صمیمانه از او متشکرم.

* در جستجوی تکنیکهای مختلف بودم! من از دوران دبیرستان بانقاشی کردن از مدلهایی که مجلات در صفحه وسط مجله چاپ می‌کردند بصورت خودآموز



نشان هنری نقره ای که
ساختمان هنر کروواسی بر
آن نقش بسته به خانم ایران
جهانشاهی اهدا شده است.